



لیلا خدام
کارشناس ارشد
علوم قرآن و حدیث

در شماره‌ی قبل، روش‌شناسی
تعلیم توحید به سبک پرسش و
پاسخ تقدیم شما شد و از قضا مورد
استقبال خوانندگان مجله نیز قرار گرفت،
زیرا این روش در تدریس بخش قرآن و
تبیین کتاب دینی و قرآن کاربرد زیادی
دارد. در این شماره، تعلیم توحید به سبک
فرصت سؤال پیش‌روی شما قرار دارد.

روش‌شناسی تعلیم توحید در قرآن

فرصت ایجاد سؤال

چکیده

روش «فرصت سؤال» همانند

روش پرسش و پاسخ است. با این تفاوت

که در این روش، به جای این که معلم به طراحی

سؤال پردازد، زمینه را طوری فراهم می‌آورد که

دانش‌آموزان به طرح سؤالات خود پردازند. در این

روش، معلم با بهره‌گیری از دیگر روش‌های تعلیمی، به

تدریس مطالب می‌پردازد و در ضمن آموزش خود، زمانی را

به دانش‌آموزان اختصاص می‌دهد تا آنان سؤالاتشان را مطرح

کنند و اشکالات و ابهامات ذهنی خود را مرتفع سازند.

روش فرصت سؤال یکی دیگر از روش‌های تعلیمی

است که در قرآن و سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) و

معصومین (علیهم‌السلام) استفاده می‌شده است. البته در مورد

قرآن باید به این مسئله توجه شود که با فضایی مانند محیط

کلاس و درس مواجه نیستیم و لذا این‌گونه نیست که زمان

خاصی اختصاص داده شود تا مردم سؤالات خود را بپرسند و

سپس پاسخ آن را دریافت کنند. بلکه در قرآن، سؤالاتی که در

ذهن مردم، پیرامون یک موضوع شکل می‌گرفت و یا آن را از

پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) می‌پرسیدند، مطرح می‌شد و سپس

پاسخ آن‌ها بیان می‌شد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، توحید، روش آموزش، روش‌های

تعلیمی، روش فرصت سؤال.

درآمد

در جریان فعالیت‌های گوناگون آموزشی، ممکن است

برای دانش‌پژوهان سؤال‌هایی مطرح شود که لازم باشد پاسخ

آن‌ها را دریافت دارند. در چنین مواردی باید زمان معینی، مثلاً

۵ تا ۲۰ دقیقه، برای پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان

در نظر گرفته شود تا آن‌ها سؤالات خود را مطرح کنند و

اشکالات و ابهامات ذهنی خود را از این طریق برطرف سازند.

این فن آموزشی «فرصت سؤال» نامیده می‌شود [صفوی،

۱۳۸۵: ۲۱۶].

الف) ویژگی‌های روش فرصت سؤال

در آموزش به روش فرصت سؤال، ضروری است که معلم، حداقل از یک روش دیگر نیز در جریان تدریس خود بهره جوید. بدین ترتیب که ابتدا باید با استفاده از دیگر روش‌های آموزشی، به تدریس مطالب پردازد و سپس در حین آموزش خود، فرصتی را برای دانش‌آموزان در نظر بگیرد تا آنان بتوانند سؤالات و ابهامات ذهنی خود را مطرح کنند و پاسخ آن‌ها را دریافت دارند. لذا روش مذکور یکی از روش‌های تعلیمی است که به‌طور مستقل کاربرد ندارد و در کنار دیگر روش‌های تعلیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

موارد استفاده

برخی از مواردی که در آن‌ها از فن «فرصت سؤال» استفاده می‌شود، عبارت‌اند از:

- دبیر در جریان تدریس، به‌ویژه هنگامی که از روش سخن‌رانی استفاده می‌کند، هرگاه تشخیص داد که برای دانش‌آموزان سؤال‌هایی مطرح شده است، باید زمان معینی را به طرح سؤال‌ها اختصاص دهد.
- در مواردی که برای دانش‌آموزان فیلم آموزشی نشان داده می‌شود، در آغاز و پایان فیلم باید فرصتی برای سؤال کردن تعیین شود.
- ممکن است از فرد مطلعی دعوت به عمل آید تا درباره‌ی موضوعی برای دانش‌آموزان سخن‌رانی کند. در چنین مواردی هم باید فرصتی برای سؤال دانش‌آموزان منظور شود.
- در بازدیدها و گردش‌های علمی نیز استفاده از این فن ضرورت پیدا می‌کند.
- هنگام ارزش‌یابی (امتحان) از دانش‌آموزان نیز می‌توان از «فرصت سؤال» استفاده کرد [پیشین].

محاسن

۱. چنان‌چه دانش‌آموزان در زمینه‌ی درک مفاهیم مورد بحث ابهامی داشته باشند، از طریق «فرصت سؤال» برطرف می‌شود.

از جمله روش‌هایی که در قرآن و سیره‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) استفاده شده، روش فرصت سؤال است

۲. با «فرصت سؤال» این امکان برای

دانش‌آموزان فراهم می‌آید که معلومات ناکافی و ناقص

قبلی خود را تکمیل کنند.

۳. «فرصت سؤال» دانش‌آموزان را به کسب اطلاعات

بیش‌تری در زمینه‌ی موضوع مورد بحث تشویق می‌کند.

۴. طی اجرای روش «فرصت سؤال»، دانش‌آموزان از

پاسخ‌هایی که به سؤال‌های سایرین داده می‌شود نیز استفاده

می‌کنند و بر دامنه‌ی اطلاعات خود می‌افزایند [پیشین].

۱۳۸۵: ۹-۵]. یا گاهی

اوقات سؤالانی برای مردم

پیش می‌آمد که نزد رسول اکرم (ص)

آمده و از ایشان سؤال می‌کردند. پیامبر (ص)

نیز گاهی پاسخ این سؤالات را خود می‌دادند و گاهی

اوقات با استفاده از قرآن پاسخ آنان را می‌دادند. در این

زمینه نمونه‌های فراوانی را در قرآن و احادیث می‌توان یافت

که در ادامه به دو نمونه اشاره خواهد شد:

۱. مردم از ماه‌های حرام سؤال می‌کردند و خداوند در قرآن

چنین پاسخ داده‌اند:

«يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صد

عن سبيل الله و كفر به و المسجد الحرام و إخراج أهله منه أكبر

عند الله و الفتنة أكبر من القتال؛ تو را کارزار کردن در ماه حرام -

محترم و شکوهمند - پرسند. بگو: کارزار کردن در آن [کاری]

بزرگ است و [لیکن] بازداشتن [مردم] از راه خدا و کفر ورزیدن

به او و مسجد الحرام و بیرون کردن اهل آن نزد خدا [ناروایی]

بزرگ‌تر است و فتنه [کفر و شرک و بیرون راندن مؤمنان] از

کشتن بزرگ‌تر - بدتر - است [بقره/۲۱۷].

۲. درباره‌ی نحوه و چگونگی انفاق سؤال می‌کنند که در

قرآن چنین پاسخ داده شده است:

«يسئلونك ماذا ينفقون قل ما أنفقتم من خير فللوالدين

والأقربین والیتمی والمسکین و این السبیل و ما تفعلوا من خیر

فإن الله به علیم»: از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو:

آن‌چه از مال انفاق می‌کنید، برای پدر و مادر و خویشان و

یتیمان و نیازمندان درمانده و در راه‌ماندگان باشد، و هر کار

نیکی که کنید خدا به آن داناست [بقره/۲۱۵].

نمونه‌ی قرآنی در تعلیم توحید آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی مبارکه اسراء

«و خلقنا مما یکبر فی صدورکم فسیقولون من یعبدنا

قل الذی فطرکم اول مره فسیغضون إلیک رؤسهم و یقولون

متی هو قل عسی أن یکون قریباً»: با آفریده‌ای از آن‌ها که در

دل هاتان بزرگ می‌نماید، [باز هم شما را پس از مرگ برانگیزند].

ب) روش فرصت سؤال در قرآن و سنت

از جمله روش‌هایی که در قرآن و سیره‌ی پیامبر (صلی الله

علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) استفاده شده، روش

فرصت سؤال است. البته در این روش در قرآن، ما با محیط بسته

و زمان مشخصی مانند محیط و زمان کلاس مواجه نیستیم،

بلکه در رابطه با قرآن، محیط کلاس، شامل تمام زمان نبوت

پیامبر (ص) است و مکان آن، شامل تمام مکان‌هایی است که در

این مدت پیامبر (ص) و مردم در آن زندگی می‌کردند.

در سیره‌ی پیامبر (ص) آمده است که ایشان، گاه زمینه را

طوری فراهم می‌کرد که مخاطب در ذهنش سؤال ایجاد شود.

به عبارت دیگر، زمینه‌ی فرصت سؤال را برای مردم به وجود

می‌آورد و با توجه به این که آن سؤال محصول ذهن مخاطب بود،

جواب پیامبر (ص) چنان برای او قابل تفهیم بود که بهتر از آن

امکان نداشت. برای مثال، در روایتی آمده است که پیامبر (ص)

به اصحاب خود فرمودند: «برادر خود را یاری کنید؛ چه مظلوم

باشد چه ظالم.»

بلافاصله یکی از صحابه سؤال کرد: «یا رسول الله، اگر او

مظلوم باشد، یاری‌اش می‌کنم اما بفرمایید چگونه می‌توانم یک

ظالم را یاری دهم؟»

پیامبر (ص) جواب داد: «در آن صورت او را از بی‌عدالتی باز

دار! چرا که کمک واقعی، بازداشتن او از ظلم است.»

این روایت به خوبی روشن می‌سازد که یک جمله‌ی دقیق

چگونه ذهن مخاطب را تحریک می‌کند و چه سؤال زیبایی برای

او مطرح می‌شود و چه زیباتر حضرتش پاسخ می‌دهد [سروریان،

کسے می تواند به معاد و اعاده می انسان ها ایمان بیاورد که قبل از آن به خالقیت خداوند (یکے از مباحث توحید) ایمان داشته باشد

مخاطب شناسی زده است و بیان می کند که این سخن برای کسی قابل قبول خواهد بود که به خلقت نخستین و خالقیت خداوند در خلقت اول ایمان داشته باشد. یعنی کسی می تواند به معاد و اعاده می انسان ها ایمان بیاورد که قبل از آن به خالقیت خداوند (یکی از مباحث توحید) ایمان داشته باشد.

فخر رازی نیز در تفسیر این آیه به دو نکته اشاره می کند: اول آن که این آیه، بیانگر تقدم پذیرش خالقیت خداوند (یکی از مباحث توحید) بر پذیرش معاد است. دوم آن که در این آیه، از برهان و استدلالی قوی استفاده شده است. بدین شرح که: چون اجسام قابلیت حیات دارند و پروردگار عالم نیز قادر بالذات و عالم بالذات است و علم و قدرتش باطل نمی شود و از بین نمی رود، پس کسی که بر ابتدای چیزی قادر است، واجب است که بر اعاده می آن نیز قادر باشد [فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ج ۲۰: ۳۹۳].

علامه در تفسیر خود می نویسد: اگر در این آیه به جای لفظ «الله» فرموده است: «آن کس که اول بار شما را خلق کرد»، برای اثبات امکان معاد و رفع استبعاد منکرین با ذکر مثال است [طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۱۳: ۱۱۷]. صاحب «أطیب البیان» نیز در تفسیر این آیه می گوید: در جواب آن ها بگو: آن قادر متعالی که هیچ را تبدیل به شیء می کند و نیست را هست می کند، قدرت دارد که صورت خاکی را صورت لحمی دهد و مرده را زنده کند [طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۶۷].

در «تفسیر نمونه»، به دو علت احتمالی از جانب منکرین معاد اشاره شده است و با رد این دو اشکال، امکان معاد اثبات می گردد: اگر در قابلیت «قابل» شک دارید که شما در اول خاک بودید، چه مانعی دارد بار دیگر خاک شوید و به زندگی بازگردید. و اگر در فاعلیت «فاعل» شک دارید، همان خدایی که در آغاز شما را از خاک آفرید، می تواند بار دیگر این کار را تکرار کند که: حکم الامثال فیما يجوز و فیما لا يجوز واحد [مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۵۴].

پس خواهند گفت: چه کسی ما را باز می گرداند؟ بگو: همان که شما را بار نخست بیافرید. پس سرهای خویش به سوی تو خواهند جنبانید و گویند: آن در چه زمانی خواهد بود؟ بگو: شاید که نزدیک باشد. [طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱۵: ۶۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱۲: ۲۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۲: ۶۷۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۶۴۹].

بیان تفسیر آیه

«فسیقولون من یعیدنا». پس این کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، به تو خواهند گفت: ای محمد چه کسی ما را مجدداً خلق می کند، اگر ما سنگ یا آهن و یا هر چیزی که در نظر آن ها بزرگ می آید، شویم؟ پس به ایشان بگو: «قل الذی فطرکم اول مره». می گوید: شما را بازمی گرداند. همان گونه که قبل از این که سنگ یا آهن شوید، بودید. همان کسی که اول بار شما را از نیستی به شکل انسان خلق کرد.

شیخ طوسی می گوید: این آیه، از قول این کفار خبر می دهد که می گفتند چه کسی ما را دوباره زنده می کند. خداوند به پیامبرش (ص) می گوید: به آن ها بگو: همان کسی که اول بار شما را خلق کرد، قادر به اعاده می شماست [طوسی، بی تا، ج ۶: ۴۸۷]. تفسیر شیخ طوسی بیانگر آن است که خداوند با بیان این عبارت، توجه منکرین معاد را به صفت قدرت خود جلب می کنند.

طبرسی نیز بیان شیخ طوسی را تأیید می کند و در توضیح آن می گوید: زیرا کسی که بر ابتدای چیزی قدرت دارد (یعنی چیزی را از نیستی به هستی می آورد)، اگر قدرتش از میان نرود و تغییر نکند، بر اعاده می آن قادرتر است. زیرا ابتدای هر چیزی (ایجاد آن برای بار اول) از تکرار آن دشوارتر است. این مطلب را از این نظر بر آنان عنوان می کند که: آن ها به نشئت اول اعتراف داشتند (یعنی معترف بودند که خداوند آن ها را از نیستی به هستی آورده است) [طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۶۴۹]. درحقیقت، جناب طبرسی در این جا دست به

خداوند به پیامبر(ص) مے فرماید: به آن‌ها بگو همان کسے که شما را برای اولین بار خلق کرد، شما را باز مے گرداند

روش تعلیم توحید در آیه

و ابهامات و اشکالات
ذهنی خود را مرتفع سازند.

در این آیه به بیان سؤالی پرداخته شده که از سوی منکرین معاد مطرح شده است، مبنی بر این که پس از آن که به استخوان‌هایی پوسیده تبدیل شدند، چه کسی آن‌ها را باز خواهند گرداند؟ خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: به آن‌ها بگو همان کسی که شما را برای اولین بار خلق کرد، شما را باز می‌گرداند.

در آیه‌ی مذکور، هم به آموزش توحید پرداخته شده است (خالقیت خداوند در آفرینش نخست موجودات) و هم به آموزش معاد. (همان کسی که موجودات را برای اول بار خلق کرد، پس از مرگ آن‌ها و پوسیده و متلاشی شدن اجساد آنان، بر اعاده‌ی آنان نیز قادر خواهد بود.) هم چنین، در این آیه ارتباط دقیق و ظریف بین اعتقاد به توحید و معاد روشن و آشکار است؛ زیرا تا زمانی که شخص به خالقیت خداوند در آفرینش نخستین اعتقاد نداشته باشد، به معاد هم ایمان نخواهد آورد.

در این آیه برای تعلیم توحید از روش فرصت سؤال استفاده شده است. بدین ترتیب که آیه با بیان و طرح سؤالی آغاز می‌شود که در ذهن منکرین معاد شکل گرفته است مبنی بر این که: «چه کسی، آن‌ها را پس از مرگ و پس از آن که اجسادشان پوسید و متلاشی گشت، دوباره زنده می‌گرداند؟» خداوند پس از طرح سؤال آنان، پاسخشان را بیان می‌کند و می‌فرماید: همان کسی که اولین بار شما را آفرید، مجدداً شما را خلق می‌کند. با این پاسخ، هم آن‌ها را به خلقت نخستین متذکر می‌شود و هم امکان معاد را برای آن‌ها بیان می‌کند؛ زیرا آن‌ها این امر را بعید می‌دانستند.

نتیجه‌گیری

از جمله روش‌هایی که قرآن در تعلیم توحید به کار برده، روش فرصت سؤال است که در آن، ابتدا سؤالات مردم مطرح و سپس پاسخ آن‌ها بیان می‌شود. در این روش، معلم باید با بهره‌گیری از دیگر روش‌های تعلیمی به تدریس مطالب مورد نظر بپردازد و در ضمن تدریس خود، زمانی را به دانش‌آموزان اختصاص دهد تا آنان بتوانند سؤالات خود را مطرح و پاسخ آن را دریافت کنند

پی‌نوشت

۱. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. نشر معاصر. تهران. چاپ دوازدهم. ۱۳۸۵.
۲. سروریان، محمدرضا. روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره‌ی عملی پیامبر اعظم(ص)، ماهنامه‌ی آموزشی، اطلاع‌رسانی معارف. شماره‌ی ۴۴. اسفند ۱۳۸۵.
۳. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. جامع‌البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۱۲ هـ.ق.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین‌بن علی. روح‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن. تحقیق: دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵. زمخشری، محمود. الکاشف عن حقائق غوامض التنزیل. دارالکتب العربی. بیروت. چاپ سوم. ۱۴۰۷ هـ.ق.
۶. طبرسی، فضل‌بن حسن. تفسیر جوامع‌الجامع. انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۷.
۷. طوسی، محمدبن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. با مقدمه‌ی شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی. دار احیاء التراث العربی. بیروت. [پی‌تا].
۸. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر. مفاتیح‌الغیب. دار احیاء التراث العربی. بیروت. چاپ سوم. ۱۴۲۰ هـ.ق.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم. چاپ پنجم. ۱۴۱۷ هـ.ق.
۱۰. طیب، سید عبدالحسین. اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات اسلام. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۸.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۴.